

گزارش خبری

از خاطره‌های فرهنگی تا تهدیدهای تجاری لاله‌زار؛ خیابانی در انتظار احیا

آتیه‌آتلایسن؛ لاله‌زار، خیابان قدیمی تهران که روزگاری محل مد، فرهنگ و تفریح شهری بود، امروز با چالش‌های جدی مواجه است. سینماها، کافه‌ها و فضاهای فرهنگی این محور تاریخی در معرض فراموشی و تبدیل‌شدن به فضاهای تجاری قرار دارند. در حالی که کارشناسان شهرسازی و فعالان فرهنگی معتقدند این خیابان هنوز ظرفیت احیا و باززنده‌سازی را دارد. ترانه یلدا، معمار و کارشناس شهرسازی، توضیح داد: «لاله‌زار امروز دقیقاً برعکس آن چیزی است که باید باشد. حتی نمی‌توانیم به گذشته آن فکر کنیم، اما از روز اول این خیابان محل مد، مدرنیته و تفریح بود. مردم برای کافه‌رفتن، خرید و تجربه زندگی شهری به آن مراجعه می‌کردند.» او با یادآوری خاطرات شخصی افزود: «بدرم کت‌وشلوارش را در لاله‌زار می‌دوخت، من را با خودش می‌برد. لباس مادرم، لوازم آرایشی، شکلات و شیرینی همه از همان‌جا خریداری می‌شد. لاله‌زار فقط خیابان سینماها یا تئاترهای دهه ۳۰ نبود؛ حتی پیش از آن، در دهه ۲۰ و شاید از دوره رضاشاه، به تدریج به محور فرهنگی تبدیل شد.» به گفته یلدا، این روند تا دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ادامه داشت، اما از آن به بعد، کیفیت خیابان کاهش یافت: «نبش‌آدم‌هایی که پیش‌تر به لاله‌زار می‌آمدند، دیگر کمتر دیده می‌شدند و جای‌شان را گروه‌هایی گرفتند که با یک بلیت می‌آمدند و در سینماها می‌خوابیدند. کافه‌ها هنوز دوست‌داشتنی بودند، اما دیگر کیفیت سابق را نداشت.» او اضافه کرد: «متأسفانه امروز از ترس خاطرات گذشته، اجازه داده نمی‌شود لاله‌زار دوباره سر پا شود. این در حالی است که ابعاد خیابان کاملاً مناسب پیاده‌راه است و در لاله‌زار نو، پیاده‌روها شش متر از هر طرف آزاد شده‌اند. اکنون این خیابان دلپذیرتر شده و هنوز سبها نورانی است.» اما خطرها همچنان ادامه دارد: «کار به جاهای بی‌خدا رسیده؛ سینماها را آتش می‌زنند یا می‌خرند تا تبدیل به مال تجاری کنند. زمین‌های پشت را خریده‌اند تا مجموعه عظیمی بسازند. این در حالی است که هنوز سینماهای لاله‌زار سر جای خود هستند و می‌توانند محور جشنواره‌ها و فعالیت‌های فرهنگی باقی بمانند.» او با اشاره به سینما ایران که اخیراً سوخت، توضیح داد: «این سینما ۲۰۰ نفر ظرفیت داشت. سقش سوراخ بود و نور از آن می‌آمد پایین. نه تعمیر شد، نه تکلیف آن مشخص شد. این اتفاق‌ها باعث شد دوباره توجه‌ها به لاله‌زار جلب شود.» ترانه یلدا بر لزوم احیای سرمایه‌گذاری فرهنگی در لاله‌زار تأکید کرد: «باید سرمایه‌گذار پیدا شود و فضاهای فرهنگی دوباره احیا شوند؛ نه به شکل قدیمی. دیگر سینمای بزرگ هزار و ۲۰۰ نفره ساخته نمی‌شود. باید سه یا چهار سالن کوچک، همراه با بوتیک‌های کوچک و مغازه‌های جوان‌پسند ایجاد کرد.» این معمار بر همکاری دولت و شهرداری برای احیای لاله‌زار تأکید کرد: «خیابان‌هایی مثل لاله‌زار که امروز با آسیب‌های فرهنگی روبه‌رو هستند، باید محل پافشاری برای احیا باشند. نگاه‌های ساده‌انگارانه طرح‌های بازآفرینی، مثل کوچ صنف لوسترفروشان، نتیجه‌بخش نبوده و نیست. لاله‌زار هنوز یک جامعه زنده است و می‌تواند محور فرهنگی باقی بماند.» ترانه یلدا افزود: «لاله‌زار به عنوان خیابان فرهنگی شناخته می‌شود و حتی با دوره‌های افول، همچنان ظرفیت فرهنگی دارد. دکتر حق‌شناس سال‌هاست بر محوربودن لاله‌زار در جشنواره‌ها تأکید می‌کند و به دنبال آن است، اما ما هم هنوز دقیق نمی‌دانیم چگونه باید پیگیری شود. یکی از حلقه‌های مفقوده، خانه اتحادیه است؛ سال‌ها فعال نبوده و فقط اخیراً، به لطف مدیریت فعلی که خانم محبت دارد، کمی رونق گرفته است.» یلدا ادامه داد: «اگر خانه اتحادیه همیشه باز بود و پاخور داشت، می‌توانست کمک کند. اما امروز کنترل‌ها بسیار شدید است. افرادی که شناخته‌شده‌اند، اجازه ورود ندارند. این مدیریت سختگیرانه باعث می‌شود مردم نتوانند از امکانات فرهنگی استفاده کنند.» او با تأکید بر اهمیت بازکردن فضا برای عموم گفت: «شهرداری باید در خانه اتحادیه را باز کند، اجازه دهد یک کافه یا فضاهای فرهنگی ایجاد شود تا مردم جذب شوند. حالا اینجا تحت کنترل شدید است و مدیریت آن تمایل دارد کسی وارد نشود، حتی برای سخنرانی یا برنامه‌های فرهنگی. روزهایی که برنامه‌ریزی می‌شود هم افراد بسیاری بازپرس فرستاده می‌شوند. این وضعیت اصلاً مناسب نیست، چون پول و سرمایه‌ای که برای این مکان صرف شده، متعلق به مردم است و باید قابل استفاده باشد.»

لاله‌زار و خانه اتحادیه، با ظرفیت تاریخی و فرهنگی خود، هنوز می‌توانند به محور فعالیت‌های فرهنگی و هنری تهران تبدیل شوند، اما این مهم نیازمند اصلاح مدیریت، بازکردن فضاها برای حضور عمومی و حمایت شهرداری و نهادهای فرهنگی است. بدون این اقدامات، خطر تبدیل‌شدن این خیابان به یک مسیر صرفاً تجاری و محدودیت‌زا همچنان پابرجا خواهد ماند.

خبر

لاله‌زار؛ جنگ نابرابر فرهنگ با اقتصاد سوداگران

ایسنا: آتش‌سوزی سینما ایران، به گفته اسکندر مختاری، مرمت‌گر و پژوهشگر میراث شهری، فقط یک حادثه نبود؛ نشانه‌ای عیان از روندی فرسایشی است که سال‌هاست خیابان لاله‌زار را از هویت فرهنگی و تاریخی تهی کرده است. خیابانی که زمانی قلب تپنده سینما، تئاتر، مطبوعات و زندگی مدرن شهری تهران بود، امروز زیر فشار اقتصاد زمین، سوداگری و تغییر کاربری‌های بی‌ضابطه، به فضایی بی‌رhythm و ناتوان از بازتولید خاطره جمعی تبدیل شده است. مختاری این وضعیت را «جنگی نابرابر» میان فرهنگ و اقتصاد شهری توصیف می‌کند، جنگی که در آن منطق سود، دست بالا را دارد و مجالی برای ماندگاری نشانه‌های فرهنگی باقی نمی‌گذارد. به گفته او، افزایش نجومی قیمت زمین و جذابیت تغییر کاربری باعث شده کاربری‌های فرهنگی، از سینما و تئاتر تا هتل و کتاب‌فروشی، یکی‌یکی حذف شوند و جای خود را به فعالیت‌های ناسازگار با هویت تاریخی خیابان بدهند. امروز لاله‌زار به انبار، نمایشگاه و مسیر پشتیبان حمل‌ونقل کالا برای صنوف الکتریک بدل شده و دیگر توان میزبانی از زندگی شهری را ندارد. این کارشناس میراث فرهنگی تأکید می‌کند که مسئله لاله‌زار صرفاً به عملکرد یک نهاد خاص مانند میراث فرهنگی محدود نمی‌شود، بلکه ریشه در سیاست‌گذاری‌های کلان مدیریت شهری دارد. به باور او، اگر برای صنوف مزاحم، فضاهای جایگزین در نقاط دیگر شهر پیش‌بینی می‌شد، فشار کنونی بر لاله‌زار تا این اندازه تشدید نمی‌شد. در چنین شرایطی، حفاظت‌های موردی از بناهایی مانند خانه اتحادیه با مجموعه پیرینا هرچند مُسکِن‌اند، اما نبودشان به معنای حذف کامل آخرین نشانه‌های سلامت تاریخی این خیابان خواهد بود. مختاری با اشاره به ردشن پرونده ثبت ملی برخی سینماهای قدیمی، ازجمله سینما ایران، می‌گوید حتی ثبت در فهرست آثار ملی نیز تضمین‌کننده بقا نیست، زیرا تا زمانی که اراده مدیریت شهری برای حفظ کاربری فرهنگی وجود نداشته باشد، بناها با تخریب می‌شوند یا از ثبت خارج خواهند شد. او بر اهمیت حفظ «مکان‌خاطره‌ها» تأکید می‌کند؛ فضاهایی که شاید از نظر معماری شاخص نباشند، اما در حافظه جمعی شهروندان ریشه دارند و حذف آنها به معنای گسست تاریخی شهر است. به گفته این پژوهشگر، احیای لاله‌زار ممکن است و تجربه‌های داخلی و جهانی این امکان را تأیید می‌کند؛ اما این احیا تنها با تصمیمی هماهنگ، سیاست‌گذاری منسجم و ایستادن مدیریت شهری در برابر تغییر کاربری‌های سوداگرانه ممکن خواهد بود. او معتقد است شهرداری اختیار قانونی لازم برای جلوگیری از این روند را دارد و اگر این اختیار به‌درستی اعمال شود، می‌توان لاله‌زار را دوباره به گذر فرهنگ، جشنواره‌های هنری، کتاب‌فروشی‌ها، هتل‌ها و فضاهای عمومی زنده بازگرداند.

نورا حسینی: این‌ هفته مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی تغییر کرد و جایگزین او، مدیرعامل قبلی شرکت واحد شد. این جابه‌جایی که برخی از اعضای شورای شهر آن را «صندلی‌بازی در شهرداری» توصیف می‌کنند، بار دیگر بحث ثبات مدیریتی و کیفیت ارائه خدمات شهری را به مرکز توجه کشاند. کارشناس شهری تأکید دارند که هر تغییر مدیریتی الزاماً منفی نیست و گاهی با هدف اصلاح مسیر و افزایش بهره‌وری انجام می‌شود. با این حال، استمرار جابه‌جایی‌ها بدون شاخص‌های ارزیابی شفاف، نشانه‌ای از نبود برنامه‌ریزی بلندمدت است و می‌تواند باعث کندي تصمیم‌گیری، گسست در برنامه‌ها و کاهش کارایی بخش‌های تخصصی شود.

مدتی پیش مهدی اقراریان، رئیس کمیته حقوقی شورای شهر تهران، با اشاره به عدم تجربه شهردار در مدیریت شهری گفت: انتصابات جزء اختیارات شهردار است، اما یکی از ابهامات و انتقادات ما در شورای شهر همین جابه‌جایی‌هاست.

وی با ارائه آمار از ابتدای دوره ششم مدیریت شهری افزود: در سازمان مدیریت پسماند و شرکت ارتباطات مشترک چهار بار، در اداره کل حوزه شهردار، حراست، مرکز مطالعات، مرکز ارتباطات و معاونت خدمات شهری سه بار، در سازمان‌های بازرسی، سازمان فرهنگی و هنری، مرکز حقوقی و معاونت سرمایه انسانی شورا دو بار جابه‌جایی رخ داده است.

وی تأکید می‌کند: یکی از مهم‌ترین وظایف معاونت خدمات شهری نظافت شهر است، اما با گذشت بیش از چهار سال از این دوره مدیریت شهری در شب‌ها شهر جولانگاه زباله‌گردها شده و تصویر نامطلوبی از تهران قابل مشاهده است. تغییرات متعدد مدیریتی در این حوزه یکی از دلایل این وضعیت است. با پایان کار شهردار تهران احتمالاً بسیاری از مدیران کنونی از شهرداری خواهند رفت، اما برخی از مدیرانی که از بدنه هستند، در صحنه اداره شهر باقی خواهند ماند. همیشه انتخاب مدیران از پرسنل شهرداری موجب تصمیمات منطقی‌تر در مدیریت شده و باورمان این است که برخی تصمیمات از سوی مدیریت موجب شد شهر با چالش مواجه شود. ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران، با انتقاد شدید از ثبات‌نداشتن مدیریت در حوزه حمل‌ونقل عمومی گفت: «باز متأسفانه ما شاهد تغییر پی‌درپی و کوتاه‌مدت مدیران شهرداری در حوزه مهم حمل‌ونقل هستیم. هرچند حمل‌ونقل از ابتدای این دوره دچار تلاطم مدیریتی بوده است.»

وی افزود: «معاونت حمل‌ونقل اخیراً ثبات پیدا کرده است، اما مدیران زیرمجموعه، به ویژه در سازمان‌های اصلی مانند شرکت واحد اتوبوسرانی، سازمان مدیریت تاکسیرانی و شرکت مترو، همچنان جابه‌جا می‌شوند و این موضوع آسیب جدی به اجرای مأموریت‌های اصلی حمل‌ونقل عمومی تهران وارد می‌کند.» امانی گفت که «شرکت کنترل ترافیک تهران و شرکت‌های مرتبط، بار اصلی حمل‌ونقل عمومی را به دوش می‌کشند و نیازمند ثبات مدیریتی هستند، اما متأسفانه همچنان شاهدیم که به قول آقای تشکرگر، مدیران پیش از رسیدن به دوره چله خود جابه‌جا می‌شوند.» وی با ذکر نمونه‌ای از جابه‌جایی‌های اخیر گفت: «آقای قیومی، که فرماندار تهران آمد، بود و شد مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی و چند ماهی است که منصوب شده و در حال آشناشدن با مسائل است، از جمله سامانه جدید حمل‌ونقل برقی و مشکلات اتوبوس‌های تازه واردشده.»

امانی درباره چالش‌های برقی‌سازی حمل‌ونقل عمومی افزود: «مدیر جدید شرکت واحد اتوبوسرانی اعلام کرده که شرکت هنوز برای پذیرش مد جدید برقی آماده نیست و زیرساخت‌های لازم فراهم نشده، صحبت‌های وی حتی به صورت فایز صوتی منتشر شده است. امیدواریم این جابه‌جایی‌ها به دلیل بیان حقیقت نباشد.»

وی به پدیده «رزومه‌سازی» نیز اشاره کرد و گفت: «اگر افرادی تنها بر اساس رزومه کاغذی بدون تجربه و تخصص لازم، به

انتقاد از تغییرات پی‌درپی مدیریتی در شهرداری تهران

صندلی‌بازی در بهشت اداامه دارد



جایگاه‌های مدیریتی گمارده شوند، این روند تکرار خواهد شد و به جایگاه مدیریتی و دی‌تفعان آسیب می‌زند.

امانی با یادآوری گزارشی از سال گذشته شورا افزود: «متوسط عمر مدیران در این دوره تنها هشت ماه بوده که فاجعه‌ای واقعی است. ما حق دخالت در انتصابات را نداریم، اما می‌توانیم تذکر بدهیم و نظارت کنیم. هرچند اکنون که به پایان دوره نزدیک می‌شویم، این تلاش‌ها چندان فایده‌ای ندارد.» علی اصغر قائمی، عضو کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران نیز با انتقاد از تغییرات مکرر مدیران و انتصاب‌های بدون معیار گفت: «اگر مدیری نامناسب بود، چرا دوباره منصوب شد و اگر مناسب بود چرا جابه‌جا شد؟ مثلاً مدیرعامل تاکسی ایرانی تنها دو ماه در سمت خود بود و بعد تغییر کرد. این نشان‌دهنده سیاست مدیران شهری است که با فواصل کوتاه، افراد را جابه‌جا می‌کنند.»

وی افزود: «با بررسی مدارک تحصیلی برخی از مدیران، می‌بینیم که مثلاً دکترای مدیریت رسانه دارند، ممکن است تجربه عملی در حوزه فنی و برقی داشته باشند، اما این انتصاب‌ها نشان می‌دهد مدل انتصابات شهرداری همچنان همان ایرادهای دوره گذشته را دارد.» قائمی ادامه داد: «برای مدیرانی مانند آقای قیومی که سابقه فرمانداری تهران را دارند، نیازی به رزومه‌سازی برای مشاور توسعه برق وجود ندارد. متأسفانه بسیاری از این انتصاب‌ها موضوعیتی واقعی ندارند و بیشتر به رزومه‌سازی شبیه است.» وی درباره تعداد مدیرانی که تحت این روند منصوب شده‌اند، گفت: «اجملاً به نظر می‌رسد حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد از مدیران شهری در این دوره به همین شکل منصوب شده‌اند. حتی برخی از پست‌ها مانند پست منگنه‌زن دیگر کاربردی ندارند، اما افراد بدون سابقه مدیریتی یا کارنامه موفق، به مقامات بالا رسیده‌اند.»

قائمی تأکید کرد «این رویه باعث شده متوسط عملکرد مدیریت شهری ناکارآمد باشد و مشکلات موجود در تهران ادامه پیدا کنند.» جعفر شربینانی، عضو هیئت‌رئیس‌ه شورای شهر تهران هم با انتقاد شدید از شیوه انتصابات در شهرداری گفت: «ما دیدیم آقای علیزاده رفت و جایگزینش گذاشته شد؛ اگر کار او بد بود چرا دوباره انتخاب شد و اگر خوب بود چرا تغییر دادید؟».

او به یادآوری تذکر خود در مهرماه ۱۴۰۰ پرداخت و افزود: «هیچ‌کدام از سوالات ما درباره انتصابات پاسخ داده نشد، چون پاسخی نداشتند.» شربینانی گفت: «در حوزه انتصابات دیگر هیچ روند شفاف و منطقی وجود ندارد و همه چیز تبدیل به صندلی‌بازی شده است.» او با اشاره به عملکرد سازمان‌های اصلی شهرداری، از جمله جمع‌آوری زباله و مدیریت اتوبوسرانی، گفت: «تغییر پی‌درپی

هشدار وزیر کشور درباره پروژه‌های نمایشی

از «کلنگ‌زنی بی‌پشتوانه» تا «حکمرانی نمایشی»

اینکه مسئله تنها بزرگ‌شدن بیش از ظرفیت زیستی تهران نیست، پرسش اساسی این است که چرا تهران باید تمام بار ایران را به دوش بکشد. اقراریان تمرکز آرزوها، قدرت، دانشگاه‌ها، شرکت‌های بزرگ و منابع حیاتی کشور در کمتر از یک درصد مساحت ایران را نشانه بی‌بعدانی تاریخی در تخصیص منابع زد؛ دانستی به گفته اعضای شورا، ایران را به لبه بحران‌های عمیق‌تر زیست‌محیطی، اجتماعی و مدیریتی رسانده است. وزیر کشور با اشاره به جایگاه شهرداری‌ها در زندگی شهروندان، نقش شهرداران را در افزایش رضایتمندی عمومی، ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی «پی‌بدل» توصیف کرد و گفت: شهرداری‌ها بیشترین تأثیر را در زندگی روزمره مردم و رفع مشکلات دارند و دراین‌میان نقش ۳۱ کلان‌شهر و مرکز استان به دلیل تمرکز جمعیت، تعیین‌کننده‌تر است. او افزود: این شهرها الگوی سایر شهرهای استان هستند و اقدامات شهرداران آنها، فراتر از محدوده شهر خود، آثار و پیامدهای گسترده‌تری دارد. وزیر کشور با توجه به نزدیکی انتخابات شوراها تأکید کرد: شهرداران نباید به سمت کلنگ‌زنی‌های بی‌پشتوانه و کارهای نمایشی بروند. شهرداران سراسر کشور بداندند هیچ نیازی به اقدامات تشریفاتی و دخالت در انتخابات نیست؛ کار بیشتر و دعوت به مشارکت، خودبه‌خود انگیزه را افزایش می‌دهد. وزیر کشور ایجاد پروژه‌های نیمه‌تمام را «نگاهی نابخودشی» خواند و گفت: منابع را تأمین نمی‌کنیم که فقط روی خاک بزیزم و پروژه‌ای نیمه‌تمام باقی بماند. حتی پروژه‌ای را دیده‌ایم که یک سال قبل افتتاح شده و اکنون دوباره آن را افتتاح کرده‌اند. با وجود تأکید وزیر کشور بر پرهیز از اقدامات نمایشی، از خیابان بهشت همچنان انتقادهایی درباره تداوم حکمرانی نمایشی به گوش می‌رسد.

یکی از اعضای شورای شهر تهران درباره تداوم حکمرانی نمایشی، تمرکزگرایی و مدیریت آشفته در اداره پایتخت تذکر داد و هشدار داد که ادامه این روند، تهران و حتی کشور را با بحران‌های عمیق‌تر زیست‌محیطی، اجتماعی و مدیریتی مواجه خواهد کرد. مهدی اقراریان، عضو کمیسیون نظارت و حقوقی شورا، با اشاره به مجموعه‌ای از بحران‌های انباشته در پایتخت، تذکر خطاب به مدیریت شهری و ساختار حکمرانی کشور مطرح کرد و خواستار عبور از راه‌حل‌های نمایشی و حرکت به سمت اصلاحات بنیادین شد. اقراریان در ابتدای تذکر خود با خطاب قراردادن شهروندان تهرانی تأکید کرد: وضعیت کنونی شهر به مرحله‌ای رسیده که دیگر نیازی به توصیف اغراق‌آمیز ندارد. زیرا شهروندان هر روز با تمام وجود آن را لمس می‌کنند. او توافیک فلج‌کننده، جمع‌آوری غیر اصولی زباله‌ها، اجرا نشدن قانون مدیریت پسماند در شهرداری تهران، آلودگی هوای مزمن و غیرفصلی، فرونشست زمین و بحران شدید مسکن را از مهم‌ترین نشانه‌های وضعیت فعلی برشمرد و تصریح کرد: امروز حدود نیمی از شهروندان تهرانی به مستاجرانی تکران تبدیل شده‌اند که امنیت روانی و اقتصادی آنها به‌شدت آسیب دیده است. عضو شورای شهر با بیان

عضو شورای شهر تهران تأکید کرد: صدای شورای شهر تهران باید صدای مطالبه‌گری برای پایان‌دادن به حکمرانی نمایشی و حرکت به سمت توسعه متوازن ملی باشد؛ مسیری که می‌تواند نفس دوباره‌ای به ریه‌های تهران بازگرداند و ایران را از کشوری که هسته‌ای به کشوری چندهسته‌ای تبدیل کند.

خبر

سالی ۲۰ هزار نفر قربانی جاده‌ها زنگ خطر «جوان‌مرگی» دوباره به صدا در آمد

جانشین رئیس پلیس راهور فراجا با اعلام اینکه سالانه حدود ۲۰ هزار نفر در تصادفات رانندگی جان خود را از دست می‌دهند، این آمار را «فاجعه‌ای انسانی» توصیف کرد و هشدار داد: بیشترین قربانیان، جوانان و نیروهای مولد جامعه‌اند؛ روندی نگران‌کننده که هم‌زمان با سیاست جوانی جمعیت، کشور را با پدیده تلخ «جوان‌مرگی» در تصادفات مواجه کرده است. حسن مؤمنی، جانشین رئیس پلیس راهور فراجا، در رویداد تبادل فناوری در حوزه کارآفرینی و مدیریت ترافیک در عصر هوشمندنی، با اشاره به ابعاد گسترده سوانح رانندگی گفت: سالانه حدود ۲۰ هزار نفر از هم‌وطنانمان در تصادفات جان می‌بازند و نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر مصدوم می‌شوند؛ آماري که ۱۰ تا ۱۵ درصد آن به معلولیت دائمی منجر می‌شود. او با تأکید بر اینکه «حتی جان‌باختن یک نفر هم زیاد است»، افزود: اینرقام یک فاجعه انسانی است و هیچ‌کدام از ما راضی نیستیم حتی قطره‌ای خون از هم‌وطنانمان به دلیل تصادف ریخته شود. مؤمنی با بیان اینکه بیش از ۳۰ دستگاه در موضوع تصادفات نقش دارند، تصریح کرد: اگر بتوانیم میان همه این نهادها هم‌افزایی واقعی ایجاد کنیم و هرکدام مسئولیت‌های خود را به‌درستی انجام دهند، می‌توان به کاهش محسوس تصادفات امیدوار بود. جانشین رئیس پلیس راهور فراجا با اشاره به حرکت پلیس راهور به سمت هوشمندسازی گفت: پلیس راهور از پلیس‌های پیشرو در این حوزه است، اما اقدامات انجام‌شده کافی نیست. فاصله‌گذاری از روش‌های سنتی و انتخاب مسیر نوین، بدون استفاده از توان فکری و تخصصی شرکت‌های دانش‌بنیان ممکن نیست. او با طرح این پرسش که «آیا باید عملکرد خودمان را هم به چالش بکشیم؟» ادامه داد: حدود ۲۰ سال پیش تا امروز، تعداد وسایل نقلیه ۵۷۷ درصد، درندگان گواهینامه ۲۱۸ درصد، جمعیت ۳۲ درصد و حجم تردد بیش از ۶۱۱ درصد رشد داشته است؛ رشدی که عمدتاً با روش‌های سنتی مدیریت می‌شد، با وجود این افزایش شدید، توانسته‌ایم تعداد جان‌باختگان را تا حدی کنترل کنیم؛ هرچند حتی همین عدد هم بالااست. مؤمنی تأکید کرد: اگر دوربین‌های ثبت تخلف و سامانه‌های کنترلی در سال‌های گذشته راه‌اندازی نمی‌شد، امروز شرایط به‌مراتب بحرانی‌تر بود.

بازگشت روند افزایشی تصادفات در سال ۱۴۰۴ جانشین رئیس پلیس راهور فراجا با ابراز نگرانی از آمارهای جدید گفت: متأسفانه در سال ۱۴۰۴، پس از چند سال کاهش، دوباره شاهد افزایش تصادفات بودیم. براساس آمار پزشکی قانونی، در هفت‌ماهه نخست امسال، حدود سه تا چهار درصد افزایش جان‌باختگان ثبت شده و ۱۲ هزار و ۷۸۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند. او افزود: نکته نگران‌کننده‌تر این است که این افزایش عمدتاً در تصادفات درون‌شهری رخ داده؛ به‌طوری‌که تصادفات شهری حدود ۱۰ درصد رشد داشته، در حالی که افزایش تصادفات برون‌شهری تنها حدود یک‌ونیم درصد بوده است.

جوان‌مرگی در جاده‌ها

مؤمنی با اشاره به ترکیب سنی جان‌باختگان تصادفات تصریح کرد: حدود ۲۰ درصد قربانیان در بازه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال هستند و بیش از ۶۰ درصد جان‌باختگان را افراد در سن کار تشکیل می‌دهند. این در حالی است که کشور سیاست جوانی جمعیت را دنبال می‌کند، اما تصادفات، جوانان و نیروهای مولد را از چرخه زندگی و تولید خارج می‌کند. او تأکید کرد: در حوزه کاهش تصادفات، حق انتخاب داریم و داریم از بدو تولد تا پایان زندگی، یک کاربر ترافیکی است. هر گامی در مسیر هوشمندسازی و ارتقای ایمنی ترافیک، مستقیماً به بهبود کیفیت زندگی همه مردم کشور منجر خواهد شد.